



AET0
Asian and Middle Eastern Studies Tripos, Part IA

Monday 03 June 2019 9 to 12:00 pm

Paper MES3

Elementary Persian Language

Answer *all* questions.

Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** answer booklet.

STATIONERY REQUIREMENTS

20 page answer booklet
Rough Work Pad

SPECIAL REQUIREMENTS TO BE SUPPLIED FOR THIS EXAMINATION

None

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed to do so.

SECTION A

1. Translate the following **unseen** text into **English** [10 marks].

- محمد بلخی (معروف به مولوی، مولانا و رومی) حدود هشتصد سال پیش در شهر "بلخ" به دنیا آمد. او یکی از مشهورترین شاعران ایرانی است که به زبان فارسی شعر می‌گفت. البته مولوی چند شعر نیز به زبان عربی، یونانی و ترکی نیز گفته‌است. ۱
- مولانا در نوجوانی به همراه پدرش شهر بلخ را برای زیارت خانه خدا و انجام حج ترک کرد. سپس آنها به "قونیه" رفتند و در آنجا ابتدا به یادگیری علوم پرداخت و کار پدرش یعنی وعظ و راهنمایی مردم را دنبال کرد و چند سال علوم دینی را تدریس کرد. ۳
- مولوی در ۳۸ سالگی با "شمس تبریزی" آشنا شد. شمس در مدت بسیار کوتاهی، تاثیر بسیاری بر مولوی گذاشت و از او انسانی دیگر ساخت، اما به دلیل نامشخصی از قونیه سفر کرد. مولوی که عاشق شمس شده بود تا پایان عمر در آتش این عشق سوخت. او سال‌ها به دنبال شمس گشت ولی هرگز او را پیدا نکرد. ۵
- سرانجام مولانا هنگامی که ۶۸ سال داشت بعد از مدتی بیماری و تب شدید درگذشت. در آن روز در قونیه یخبندان بود و همه مردم، پیر و جوان، مسلمان و یهودی و مسیحی در عزای او شرکت کردند. آرامگاه او اکنون در قونیه است. ۷

Line 3: preaching

وعظ

Line 15: frost

یخبندان

Line 16: mourning

عزا

2. Translate the following **seen** text into **English** [10 marks].

- ۱ نیم کیلو گوشت خریده بودم و از حاشیه خیابان گلچین به طرف خانه می‌رفتم که دوستی به من رسید و بعد از خوش و بش و احوالپرسی، دیدم عینک طبی و به اصطلاح «ذره بینی» به چشم دارد. ۳
- با تعجب گفتم «فلانی، مگر چشم‌هایت عیب و علتی پیدا کرده؟»
- ۵ گفت «نه، یک چشمم کمی ضعیف شده بود و اشیاء را درست نمی‌دید و روزنامه درست نمی‌توانستم بخوانم. به ناچار به چشم پزشک مراجعه کردم و معلوم شد که چشم چپم ضعیف شده و دکتر این عینک را داد که به چشمم بزنم.» خداحافظی کرد و رفت. ۷
- ۹ بعد از رفتن دوستم احساس کردم یک چشم من هم ضعیف است. یعنی چه؟ تا چند لحظه پیش که خوب بود. چطور ظرف چند ثانیه یکی‌اش ضعیف شد؟ کمی فکر کردم که بدانم کدام چشمم ضعیف است. نتوانستم چیزی بفهمم. لا‌علاج همانجا کنار پیاده رو ایستادم و پاکت گوشت را روی زمین گذاشتم. چشم چپم را بستم و با چشم راستم کلاغی را که روی آنتن پشت بام خانه مقابل نشسته بود نشانه گرفتم. دیدم درست است. کلاغ را کاملاً می‌بینم. رنگش سیاه است. ۱۱ ۱۳

W. M. Thackston, *An Introduction to Persian* (Bethesda: IBEX, 2009), pp 225-226.

(TURN OVER)

SECTION B

3. Choose **one** of the following topics for a composition in **Persian** of **about 100 words** [20 marks].

- (a) Describe the country you have visited recently.
- (b) Explain why you have started learning Persian.
- (c) Write a review about a book you have read recently.
- (d) Write a letter to your Persian teacher and tell him about the Persian course so far and your expectation in year two.

SECTION C

Answer **all** the following questions [30 marks].

4. Give the **second person plural** forms of the **simple present** and **past perfect** of the verbs below in Persian [5 marks of 30].

- (a) To sleep
- (b) To sit
- (c) To shake hands
- (d) To try
- (e) To put

5. Translate the following sentences into **Persian** [5 marks of 30].

- (a) Before opening the letter, the patient started to cry.
- (b) It is unlikely that your manager forgives you.
- (c) The poor man has nowhere to stay tonight.
- (d) If you see the professor, please give him my regards.
- (e) Smiling I explained her that this was more childish.

6. **Analyse** the word formation of the following and **translate** them into **English [10 marks of 30]**.

- a نفروخته ام
- b بیمارستان
- c جهان گرد
- d تختخواب
- e بیکاری

7. **Complete** the sentences with the correct form of the terms given in the brackets and then **translate** the complete sentences into **English [10 marks of 30]**.

- a اگر پولت را (جمع کردن)، الان می توانستی برای خودت یک ماشین بخری.
- b برادرم گوشی تلفنش را بر نمی دارد. شاید آن را (گم کردن)
- c نمی شود بدون ویزا به ایران (سفر کردن)
- d هنوز امتحان را (شروع کردن) که فهمیدم موبایلم روشن است.
- e وقتی می خواهم کتاب بخوانم، (خواب گرفتن)

END OF PAPER